

در پاره نازی ها که ادعای شُود آزمایش های عجیبی برای دستیابی به علمی غریب داشتند

قدرت آلمان نازی؛ از وهم تا واقعیت

پرونده

الیه توانا، فاطمه قاسمی (مترجم)

آلمان نازی، رهبر کله شق و خشن آن و نقش و جایگاه این حزب نازی در جنگ جهانی دوم را همه مان کم وبیش می شناسیم. می دانیم نازی ها، پس از آن که در سال ۱۹۳۳ با ابزار دموکراتیک و در چارچوب قانون به قدرت رسیدند، به سرعت آلمان را به دیکتاتوری تبدیل کردند. آن ها شش سال تمام توان خود را صرف تدارک جنگی کردند که در سال ۱۹۳۹ آغاز شد. نازی ها در طول این جنگ که تمام منابع انسانی و اقتصادی را در راستای مقاصد نظامی بسیج کرد، منابع عظیمی را صرف تلاش برای قلع و قمع دیگر کشورها و اقوام کردند. تاریخ دانان مکررا از نازی ها به عنوان نمونه ای بارز از شر یاد کرده اند. نازی ها ویران گر بودند، در دوران حکومت ۱۲ ساله خود جان میلیون ها نفر را گرفتند و اگر شکست نمی خوردند، میلیون ها نفر دیگر را هم از دم تیغ می گذراندند. اما این همه چیزی نیست که باید از نازی ها بدانیم. آلمان نازی در طول جنگ جهانی، توانست در فناوری های نظامی توسعه و پیشرفت شگفتی ایجاد کند البته هدفش قطعاً پیروزی در جنگ بود و اگر فرصت پیدا می کرد، اهداف پلید دیگری هم در سر داشت البته خوشحالیم که فرصت پیدا نکرد. چند روز قبل سالروز تولد هیتلر رهبر کاربزماتیک و عوامفریب آلمان نازی بود که اگر در کودکی استعدادش در نقاشی جدی گرفته می شد شاید سر نوشت دیگری برای جهان رقم می خورد و میلیون ها انسان به دلیل سوداگری بی حاصل او کشته نمی شدند چند روز دیگر هم سالروز ادعای مربوط به خودکشی او در پناهگاهی نظامی است. هر سال در بین این مناسبت ها شایعات فراوانی درباره هیتلر، زنده بودنش تا دهه هشتاد میلادی، آرزوهای او برای ساخت سربازانی توانمند و جهش یافته، سفر در زمان و... مطرح می شود. در پرونده امروز، به نازی ها از جنبه شایعات و ناکامی ها نگاه می کنیم و می خواهیم بدانیم افسانه هایی که درباره هیتلر، نمر دنش در جنگ جهانی و رویاهای عجیبش برای تسلط بر جهان، تا چه اندازه واقعی است!



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷
۷ شعبان ۱۴۳۹ ۲۴ آوریل ۲۰۱۸
شماره ۱۹۸۰۳

۱۰۲۶



عکس تزیینی و نمایی از فیلم «هشت ناگهانی» آسیت

شایعات

سفر در زمان

نازی ها برای پیروزی در جنگ، هر کاری می کردند؛ غیر از آن، گفتیم که مهندسان و دانشمندان نازی موفق شده بودند ابزارهایی پیشرفته و فراتر از زمان خود بسازند. مجموعه این عوامل، زمینه پخش شدن شایعاتی درباره نازی ها را فراهم می کرد؛ یکی از این شایعات، پروژه «Die Glocke» (به معنی زنگ) بود. درباره پروژه زنگ می گویند آلمانی ها به فناوری های پیشرفته ای دست پیدا کرده بودند که به آن ها امکان انجام مأموریت های فرازمینی را می داده است. این صنایع دارای منبع انرژی ناشناخته بود که می توانست پرواز مداوم را فراتر از مدار زمین انجام دهد. این وسیله هیچ وقت پیدا نشد و طرح هایی از آن که دست آمریکایی ها افتاده بود، در هاله ای از ابهام باقی ماند. حتی بسیاری می گفتند که درگیری اصلی آمریکا و نازی ها بر سر همین اختراع بوده و وسیله ای که می توانست دروازه ای به ابعاد دیگر جهان باز کند! بسیاری حتی اعتقاد داشتند تصاویر خودکشی هیتلر جعلی بوده و هیتلر از طریق این اختراع فرار کرده است. یکی دیگر از نکات باور نکردنی این پرونده این است که می گویند هیتلر شخصی به نام «هانس فردریش کارل کاملر» فیزیکدان را، شخصا مأمور کرده بود تا اعضای این مأموریت را به قتل برساند. هانس هشت نفر از اعضای این پروژه را به قتل رساند و خودش هم دیگر پیدا نشد. بسیاری می گویند او هم به وسیله این اختراع به زمان و مکان دیگری رفته است. درباره وجه تسمیه این پروژه می گویند در زمان مرگ فرعون، زنگ های بزرگی در شهر گذاشتند و با به صدا در آوردن آن ها خواستند جهان دیگر را خبردار و پذیرای ورود فرعون کنند. بیشتر آن چه درباره این طرح آلمان ها گفته می شود شایعه جالبی به نظر می رسد که ناشی از روحیه بلندپروازانه آلمان ها بود که تبدیل به بستری شد برای چنین داستان پردازی هایی!

پروژه زامبی سازی

می دانیم که در دوره آلمان نازی، اعتقاد به برتری نژاد آریایی بسیار قوی بود، همچنین می دانیم نازی ها برای رسیدن به اهدافشان یعنی ماندگار و قوی کردن نژاد آریایی و پیروزی در جنگ، از زیست شناسی و آزمایش های پزشکی کمک می گرفتند. با این همه، تلاش آلمانی ها برای تبدیل کردن سربازان به زامبی، شایعه ای است که بیشتر به کار فیلم های علمی-تخیلی می آید تا تاریخ. اما این شایعه از کجا آب می خورد؟ تحقیقات نشان می دهند دکترهای ارتش نازی به سربازان قرص هایی می دادند که زیادتر بجنگند و استراحت نکنند. داروی «پرویتین» که از «مت آمفتامین» ساخته می شد، همان را نازی ها است که شایعه زامبی سازی را بر سر زبان ها انداخته است. بر اساس مدارک بایگانی ارتش، ۲۰۰ میلیون «پرویتین» بین سربازان ارتش آلمان در بین سال های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ پخش شده است. تحقیقات ثابت کرده است نازی ها به سربازان خط مقدم، یک محرک حاوی کوکائین می دادند که قبلاً بر روی زندانیان در اردوگاه های کار اجباری آزمایش شده بود. نویسنده کتاب «نازی های وابسته به مت آمفتامین» می گوید: «این آخرین سلاح مخفی هیتلر برای پیروزی در جنگ بود. قرار بود از این مواد مخدر به همه سربازان بدهند اما تنهاجم به نرماندی در سال ۱۹۴۴ باعث توقف این طرح شد». خلاصه شایعه این که آلمان ها دنبال دستکاری ژنتیکی سربازها برای تبدیل شدنشان به زامبی های نامیرا و توقف ناپذیر بودند ریشه در آن گفته شد دارد اما اغراق در آن زیاد است.



در جست وجوی رد پای هیتلر

یک شبکه تلویزیونی آمریکایی هم با ساخت مستندی مدعی شده هیتلر خودکشی نکرده است. سال ۲۰۱۴، فرمانی اجرایی باعث افشا شدن بیش از ۷۰۰ صفحه از مدارک سری اف.بی.آی شد که نشان می داد دولت ایالات متحده ماه ها و سال ها پس از مرگ هیتلر در جست وجوی او بوده است. این مدارک و این واقعیت که هیچ اثر انگشت و گزارش پزشکی قانونی معتبری از مرگ هیتلر پیدا نشده، دلایل خوبی برای ساخت این مستند به شمار می رود. در مستند «رد پای هیتلر»، تیمی تحت ریاست «رابرت بر» مأمور سابق سی آی ای و یک پژوهشگر جنایات جنگی، وظیفه بررسی فرار احتمالی هیتلر به کشورهای مختلف را بر عهده داشته اند. آن ها براساس پرونده های محرمانه پلیس فدرال آمریکا می گویند هیتلر پس از فرار از آلمان در کشورهای مختلف از جمله آرژانتین و برزیل اقامت داشته است. در این مستند، تونی که کاخ صدراعظم آلمان و «پناهگاه پیشوا» را به فرودگاه تمپلهوف متصل می کرده، یافت شده است؛ ضمن این که تیم تحقیقاتی این مستند یک منطقه نظامی پدافندپذیر در جنگل های میسیونر آرژانتین پیدا کردند که به احتمال قوی مخفیگاه هیتلر بوده است؛ این پناهگاه ساخته شده در اعماق جنگل، بسیار امن، خودکفا و پر از تجهیزات و وسایل شخصی بوده است. گفتنی است هیتلر وصیت کرده بود او را کارملا بسوزانند تا جسدش دست پارتیزان های روس نیفتد، به همین دلیل جنازه ای از او و اوا براون پیدا نشد و منجر به تحقیقاتی شد که خواندید. هر چند نمی توان این تحقیقات را رد یا به طور محض تأیید کرد اما یافته های مهمی در آن ها وجود دارد.

بر اساس مشاهدات و کشفیات بعدی؛ فرار

اما این همه ماجرا نیست. ۶۶ سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، نویسندگان کتاب «گرگ خاکستری: فرار آدولف هیتلر» ادعا کردند هیتلر خودکشی نکرده، بلکه از آلمان گریخته، تا ۱۷ سال بعد زنده بوده و سال ۱۹۶۲ در آرژانتین مرده است. «جرارد ویلیامز» از نویسندگان این کتاب، در مصاحبه ای گفته آن ها در نتیجه مطالعات و پژوهش های طولانی و موشکافانه این کتاب را نوشته اند. این محققان مدعی هستند هیتلر همان سال ۱۹۴۵ با هوایمما از آلمان فرار کرده است. آن ها همچنین معتقدند هرگز اسناد و شواهد قطعی درباره خودکشی هیتلر وجود نداشته است. نویسندگان این کتاب، به شهادت افرادی استناد می کنند که زندگی هیتلر را در آرژانتین تحت نظر داشته اند. ویلیامز می گوید اسنادی از سوی دولت های جهان که پس از دهه ها در دسترس همگانی قرار گرفت، تأیید کننده نظر به آن هاست. هیتلر در حالیکه در روس ها همواره مدعی بوده اند بخشی از جمعه هیتلر در اختیارشان است، نویسندگان کتاب «گرگ خاکستری» می گویند این مجموعه نه متعلق به هیتلر، که بخشی از مجموعه ننی جوان است.

پیشرفت های فناوریانه و نظامی

بسیاری از رسانه های غربی شایعات جالبی درباره پیشرفت آلمان ها در فناوری منتشر می کنند که شبیه داستان های علمی-تخیلی است و بیشتر آن ها اثبات نشده اند. اما متأسفانه آلمانی ها در طول جنگ و برای پیروزی در آن، به میزانی از پیشرفت در حوزه ساخت انواع اسلحه و صنایع موشکی و هوایی رسیدند که محققان سایر کشورها درباره آن ها هیچ حرفی برای گفتن نداشتند. حتی متفکین پس از اشغال آلمان و کشف سایت های تحقیقاتی در این کشور، در برخی موارد حتی دانش کافی را برای تشریح آن چه با آن روبه رو شده بودند نداشتند.



ماشین ارسال رمز

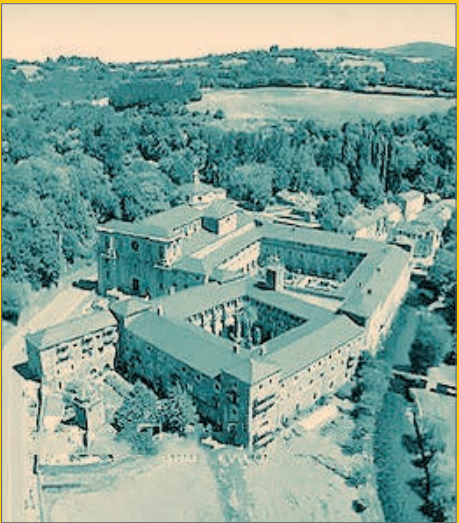
در سال های ابتدایی جنگ جهانی دوم، آلمانی ها از ماشینی به نام انیگما (Enigma) برای تولید و ارسال رمز استفاده می کردند. این ماشین ساخته مهندس «آرتور شریبوس» می توانست رمز های پیچیده ای تولید کند که برای ارسال پیام به زیردریایی ها بسیار مناسب بودند. انیگما از سه یا چهار گردونه استفاده می کرد؛ گردونه ها با ایجاد مدارهای الکتریکی، حروف پیامی را که باید به رمز درآورده می شد، به حروف رمزنگاری شده تبدیل می کرد. به این ترتیب آلمانی ها توانستند با عملیات پنهانی، تلفات زیادی به کشتی های تجاری و جنگی متفکین وارد کنند. با همه هوشمندی این دستگاه، ریاضی دانان لهستانی توانستند با پیدا کردن یک نمونه از دستگاه پیام های انیگما را کشف رمز کنند. آلمانی ها که احساس خطر کردند، بعد از آن سیستم رمزنگاری خود را به طور روزانه تغییر دادند. برای مقابله با این تکنیک موثر، دنیا باید منتظر ورود یک نابغه ریاضیات می ماند و آن کسی نبود جز «آلن تورینگ». تورینگ، ریاضی دان نابغه ای بود که از طرف دولت انگلستان مسئول کار روی شکستن رمزهای مخابراتی آلمانی ها شد و کمک کرد تا سر نوشت جنگ را تغییر دهند. با این وجود، بسیاری از رمزهای انیگما هرگز شکسته نشد.

اولین هواپیمای رادار گریز

بمب افکن رادار گریز «Horten Ho-۲۲۹» مجهز به موتورهای جت را باید شاهکار مهندسی آلمان ها دانست. این هواپیمای مقلب اسلحه مخفی هیتلر، قابلیت حمل ۹۰۰ کیلو مهمات را داشت و می توانست در ارتفاع ۱۵ کیلومتری زمین با سرعت نزدیک به ۱۰۰۰ کیلومتر در ساعت پرواز کند. این بمب افکن با بهره گیری از موتورهای توئین توربوجت، دو توپ برای شلیک گلوله و راکت های R.4M، اولین هواپیمای رادار گریز جهان بود که اولین پرواز خود را در سال ۱۹۴۴ با موفقیت انجام داد. براساس اطلاعات بر جای مانده از فرمانده نیروی هوایی ارتش نازی، ساخت این بمب افکن خارق العاده در آن زمان بیش از نیم میلیون مارک برای آلمان هزینه داشته است.

پدر موشک های هوشمند

موشک ۱۵۰ تنی «فرش ایکس»، پدر موشک های هوشمندی است که این روزها شاهدشان هستیم. فریتس ایکس با بهره گیری از یک دریافت کننده رادیویی و باله های هدایت شونده ای که سازو کار پیچیده ای در طراحی آن ها به کار رفته، امکان هدایت و اصابت دقیق به هدف را برای نازی ها به ارمان آورده بود. براساس اطلاعات نیروی هوایی آمریکا، این موشک هوشمند قادر بود تا ۷۱ سانتی متر در پوشش زرهی نفوذ کند و از ارتفاع ۶۰۰۰ متری به سمت هدف رها شود. برای درک قدرت این موشک لازم است بدانید که سیستم های ضد هوایی کنونی هم یاری اینهدام موشک در این ارتفاع اندازند.



مکانی که ادعا می شود هیتلر سال ها بعد از جنگ در آن سکونت داشته است

ماجرای مرگ هیتلر چه بود؟

بر اساس اسناد تاریخی؛ خودکشی

بر اساس اسناد تاریخی و گفته شاهدان، هیتلر، آوریل ۱۹۴۵ در جریان حمله متفکین به برلین و قبل از تسلیم کامل آلمان، خودکشی کرد. در این روایت، می گویند رهبر نازی ها در آخرین ساعات عمرش تصمیم می گیرد با معشوقه اش، «اوا براون» ازدواج کند. چند ساعت بعد از این ازدواج، او با خوردن سیانور و شلیک تپانچه به سر، خودش را می کشد و همسر جانش هم با خوردن قرص سیانور او را همراهی می کند. هیتلر که در زمان مرگ، ۵۶ سال داشت به یکی از محافظانش دستور می دهد، جنازه او و همسرش را در باغ کاخ صدراعظم آلمان در برلین بسوزانند. «وخوس میش» افسر اس اس آلمان که قاصد، تلفنچی و محافظ هیتلر بوده در این باره می گوید: «من هیتلر را دیدم که سبرش روی میز قرار داشت. اوا براون روی میز دراز کشیده و سبرش به طرف هیتلر بود. هرگز آن صحنه را فراموش نمی کنم. دیدم که هیتلر را پوشاندند و وقتی از کنار من رد شدند، پاهایش از پارچه بیرون زده بود. فردی سر من فریاد زد: عجله کن، دارند رئیس را می سوزانند».